

بی‌ای- صحنه زیبایی از دوستی کودک و بره



آسوشیتد پرس- کار در ارتفاع، ایالات متحده



فرانس پرس- برف روی شکوفه های گیلاس، آلمان

دنیایم روایت تصویر

در محضر بزرگان

دور دین خود دیوار بکشید

آیت ...! جوادى آملی احتیاط در دین را این گونه توضیح می دهند:

«می‌گویند فلان شخص محتاط است، راه احتیاط را وجود مبارک حضرت امیر(ع) به کمیل که از شاگردان مخصوص آن حضرت است آموخت. شرح آن این است که حضرت فرمود: کمیل! انسان یک برادر دارد و آن دین اوست. این برادر را حفظ بکن. احتیاط می‌کنی؛ یعنی دین خود را در وسط بگذار، دورش را حائط و دیوار بکش که میوه درختان دین تو را هر کسی نچیند. آدم محتاط، یعنی آدمی که دین او بارور است، درخت دین او بارده است، آدم بیهمی است، کارآمد است، علم دارد، عملی دارد، مؤثر است. فرمود تو که حالا یک عضو مؤثری هستی، درخت خود را مثل درخت دشت قرار نده، مثل درخت منزلی قرار بده. دورش دیوار بکش که هر کسی نیاید از میوه درخت تو استفاده نکند، از تو بهره سوء نبرد، این را می‌گویند احتیاط. فلان شخص محتاط است؛ یعنی دور دین خود را دیوار کشید، هیچ بیگانه‌ای حق ندارد نباید وارد باغ او بشود، از عرض و آبروی او استفاده کند، او را وسیله قرار بدهد.»

پایگاه اطلاع رسانی آیت...! جوادى املی

فتو شعر انتظار



احکام

خمس عیدی

محمد علی ندائی – براساس فتوای برخی از مراجع تقلید آن چه به انسان هدیه می شود، خمس ندارد. عیدی و پاداش کارمندان و کارگران هم چون هدیه و بخشش به حساب می آید، خمس ندارد. حضرت آیت ...! خامنه ای هم از جمله مراجعی هستند که هدیه و بخشش را مشمول خمس نمی دانند. از این رو در استفتایی درباره عیدی چنین فتوا داده اند: **سوال:** آیا هبه و هدیه عید(عیدی) خمس دارد؟ **جواب:** هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند احوط این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

حکایت

نان بی قاتق

خسبسی غذای خانواده اش را نان خالی مقرر کرده بود تا این که زن و پچاهش به صدا در آمده و قاتق (خورشت یا مواد غذایی که همراه با نان یا پلو می خورند) طلبیدند. وی مختصر پنیری خریده و در شیشه انداخت. شیشه را در صندوق گذاشت و قفلی بر صندوق زد و کلیدش را در جیب خودش گذاشت. در هر نوبت شیشه پنیر را از صندوق بیرون می آورد و دستور می داد عائله اش لقمه نان را پشت شیشه مالیده و بخورند.

یک روز که مرد خسبسی به خانه نیامده بود، وقت غذا پچوها قاتق خواستند و در صندوق بسته بود، مادرشان گفت نان را پشت صندوق مالیده و بخورند. چون خسبسی به خانه آمد و شنید، خون به چهره دواند و نعره زد: «ای هوار، کارتان به جایی رسیده که حتی یک وعده نان خالی بی قاتق نمی توانید بخورید!»

سایت یکی بود

فتونکته



اندک صبر

دل من

مرا می خواستی اما چه حاصل؟
برایت هر چه کردم، باز کم بود
مرا روزی رها کردی در این شهر
که این یک قطره دل، دریای غم بود...

فریدون مشیری

با خانمان

نصیحت هایی برای بعد از ولنتاین

ما که از نزدیک با این قضیه آشنایی نداریم، اما مظاهرا ولنتاین بوده دیروز، روز عشق. البته آشنایی نداشتن که دروغه، شما نمی‌تونین اینستاگرام و تلگرام داشته باشین و ندونین ولنتاین چیه و کیه؟ اما چیزی که باعث شده من این مطلب رو بنویسم، مورد عشقی خودمه. هر کسی در گذشته اش ممکنه اشتباهاتی داشته باشه، من هم متاسفانه در گذشته ام عاشق شدم که پشیمونم و می‌خوام دردم رو ولنتاینی باهاتون درمییون بذارم. اولش به علاقه عادی بود. از رابطه ما فقط یک هفته گذشت که فهمیدم زندگیم قبل از اون معنی نداشته است. وقتی داشتمش کاملا شاد و خندون بودم. دایم می‌گفتم: «مرسی که هستی!» و خدا رو برای بودنش شکر می‌کردم. به ذره که از رابطه مون بیشتر گذشت، بیشتر بهش احتیاج پیدا کردم، دیدم بدون اون نمی‌تونم زندگیم رو ادامه بدم. با توجه به این که این آخری ها به خاطر عشقش کاملا از فرم افتاده بودم، با پدر و مادرم قضیه رو در مییون گذاشتم. همون طور که توقع داشتم، مخالف علاقه پاک من بودن و سعی کردن مناعتن بشن. گفتن: «آخه دختر کنده! تو ۲۲ سالته! همسن های تو تشکیل زندگی دادن، شکلات رو دارن از پچه هاشون قایم می‌کنن، ما باید از تو شکلات رو قایم کنیم؟ به خودت بیا، و با قایم کردن طرف شکلات از من، سعی کردن به این رابطه پایان بدن. اولش نمی‌شدا اما کم کم علاقه من هم بهش کم شد چون اون قدر که من برای رسیدن بهش تلاش می‌کردم، اون تلاش نمی‌کرد.

تا این که بالاخره عقلم بر احساساتم چیره شد و رابطه ام رو کاملا قطع کردم. گاهی به اون روز ها بر می‌گردم و حسرت رابطه پا کمون رو می‌خورم، به خصوص توی مهمونی ها و وقتی توی شکلات خوری می‌بینم اش. اما فکر می‌کنم این طوری برای جفتمون بهتره.

نصیحت من در روز ولنتاین، شاید هفته یا ماه ولنتاین، به تمام همسن و سلام اینته که الکی عاشق نشین. به خودتون میانین و می‌بینین ده کیلو وزن اضافه کردین، صورت تون پر جوش شده و با این حال، هیچ آینده ای با طرف ندارین. مراقب مهریونی هاتون باشین!

دور دنیا

لوکس ترین سرویس بهداشتی عمومی دنیا!



آدیتی سنترال – دست شویی های عمومی در پمپ بنزین ها همیشه حس بدی را تداعی می کنند، اما دست شویی های عمومی در فیلپین از شدت زیبایی و تمیزی در دنیا مشهورند! به تازگی عکس هایی از دست شویی عمومی یکی از ایستگاه های گاز فیلپین منتشر شده است که آن را تبدیل به زیباترین و لاکچری ترین توالت عمومی دنیا کرده است! این توالت دارای میلمان چوبی با گران ترین مواد، قفسه های کتاب و یک تلفن کنار سینک دست شویی است. در نگاه اول شما فکر می کنید حتما به توالت قصر یک پادشاه وارد شده اید!

ر ابین هود بازی به شیوه جنایتکار برزیلی



آدیتسی سنترال – «توماس ویرا گومز» یکی از خطرناک ترین فروشندهگان مواد مخدر در برزیل محسوب می شود. او به تازگی دست به اقدام جالبی زده و دو پرستار مرد را از بیمارستان

دزدیده است تا در یکی از محلات فقیرنشین ریو دو ژانیرو، مردم را واکسینه کنند! ماه هاست که بیماری تب زرد در برزیل اپیدمی شده است و ده ها نفر به دلیل این بیماری مرده اند. از آن جایی که معمولا طبقات فقیرنشین جامعه نادیده گرفته می شود، وحشتناک ترین خلافاکار این منطقه دست به کار شد تا به شیوه خودش مردم فقیر را واکسینه کند.

مسابقه شماره ۲۲۵



طراح: محمد مهدی نجیر
تصویرساز: سعید مرادی

1sargarmi.ir

می‌تونین زیر هر تصویر، یه کلمه معنا دار با چاشنی شوخ طبعی بنویسین؟
خب ما این کارو کردیم براتون!
فقط هر حرف الفبا رو به علامت مز تبدیل کردیم. تا ساعت ۲۳ به خط اختصاصی ۰۲۲۲۵۲۳۰۰۰ سه کلمه رو پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای شما که پاسخ صحیح سه مسابقه پیاپی رو دادین! پاسخ توی ستون «ما و شما»ی بعدی و اطلاعات بیشتر هم توی وب سایت 1sargarmi.ir هست.



× ÷ ؟ ؛ × |



باتشکر از: حسین رشیدنژاد بابت ایده

! ؛ } \ | × =

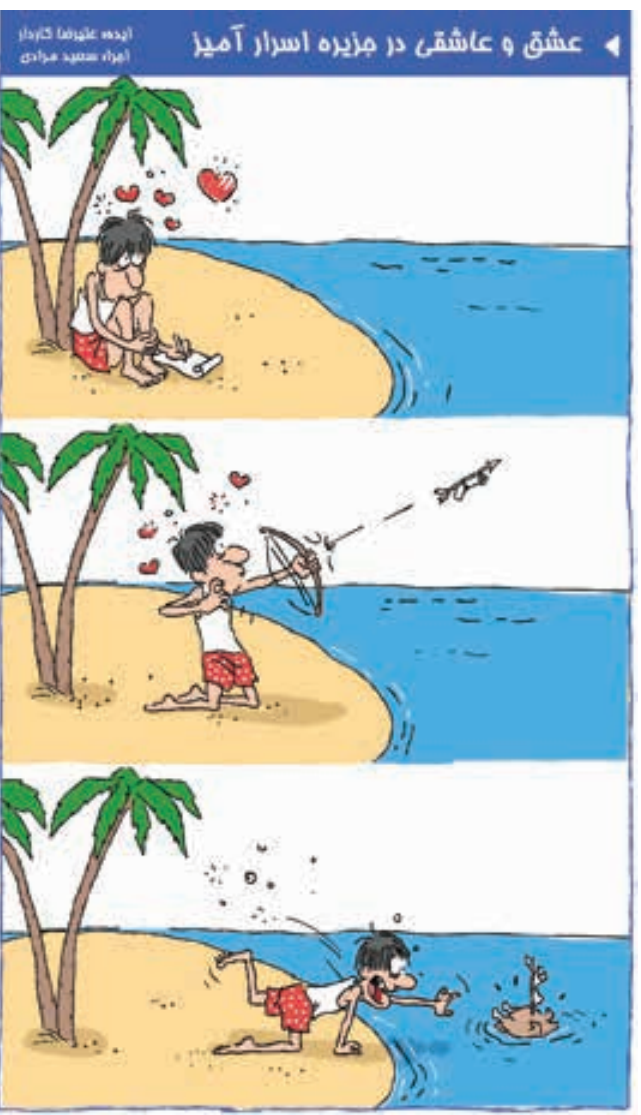


÷ × * (! * - ÷ =



« یک کنترل داریم تا منو می بینه بدون باتری هم کار می کنه... از بس که زدمش!
« اگه شانس منه تا پنجم که حقوق بگیرم دلار اون قدر گرون میشه که کل حقوقم میشه یه دلار!
« حتی موسیقی که ساخته دست بشره می دونه یک وقت هایی باید بی کلام باشه و حرف نزنه، ولی آدم ما نمی دونن!
« گلزار عکس از دهالگیش گذاشته با لباس اسکی، اون وقت من ۵ سالگی لباس قرمز گل گلی خواهرم رو می پوشیدم که براش تنگ شده بود!
« بعضی ها هم خیلی جالبین، بحث کادو گرفتن باشه ایفون ایکس می خوان، ولی بحث کادو دادن باشه «تو سستی ها کنار هم بودن بهترین هدیه است»!
« دیگه آثارهای گوشیم جواب گو نیست، باید سمب ساعتی کوک کنم!
« من اگه غذا بودم حتما سوپ می شدم که کسی جزو غذاها حسابش نمی کنه. فقط وقت هایی که حالشون بد بود می اومدن سمتم!
« من تحقیق کردم شب هایی که زودتر می خوابیم، صبحش دیرتر بیدار می شیم!
« الان این قدر که تو اینستاگرام خرس هست تو جنگل نیست... خیلی مواظب باشید!
« چای به جوریه که حتی بعد از قهوه و دم‌پوش هم می چسبه!
« از وقتی لمبیت و بلیچینگ اومده ماها که مسواک واقعی می‌زیم انگیزه مون رو از دست دادیم!

سه نقطه



خداحافظی در اوج!

سلام، مدتی قراره این موضوع رو مفصل توضیح بدم براتون و نشده. اما امروز باید بشه. قضیه رفتن خفن استرپیه. قضیه ای که با جایزه نخواستن شما حل نمیشه! باتهدید به تخریدن روزنامه هم حل نمیشه! متاسفانه به خاطر امیرحسین نمیشه حلش کرد! این رفتن به خاطر لوس بازی و عزیز شدن نیست! با صحبت با سردبیر هم حل نمیشه! کسی هم مجبورمون نکرده بریم! تعداد انبوه مخاطب این مسابقه هم برای همه معلومه! نیاز به نظر سنجی هم نیست چون ۷۲۰۰۰ پیامک دریافتی خودش به سند معتبر از علاقه شماست! ۳/۵ ساله که توی چارچوب خاصی، این شوخی تصویری با ساختار کلمات رو داشتیم. اما این ایده هایی نهایت نیست و داره تموم میشه. برای این که پُر بار باشیم باید در «اوج» خداحافظی کنیم. پس خفن استرپ به زودی تموم میشه، اما تمام برنده هاش معرفی میشن و بزرگانش هم همین طور. فعلا!

کله چفوکسی

آق کمال آشتی می جوید

نمدنم قبالا هم گفته بودم یا نه، ولی گهگاهی مشه که روابط بین مو و عیال شراب بره. نه که زبونم لال، مورد مهمی بشه. نه، سر چیزای خُردو همی حرف های معمول که بین همه زن و شوهر ا پیش میه، بری ما هم پیش میه. خویش ایه که حرف آخر ره مو مزئم و مگم: «بخشن» و عیال هم هیچ رقمه کوتاه نمیه! دیشب هم همی جور شد. مو دیرتر از سر کار می آمدم و بعدش هم جایی شام دعوت بودم. کلید خودمه داده بودم دست عیال و قرار بود با آبیجم بره خرید. از رستوران زنگ زدم که کجاین، مو کارزم دره تموم مره. گفت هنوز بیرون و شام مرن خانه. جاتا خالی شام ره که خوردم، زنگ زدم بیجم کجاین تا اگه هنوز نرفتن خانه برُم دنبالشان. ولی هر چی زنگ مرزم در دسترس نبود. به آبیجم زنگ زدم، اویم جواب نمداد. تره دلم مثل سیر و سر که موجشید که اینا کجاین و بری چی تلفنشانه جواب نمدن. رقم زنگ خانه ره زدم، کسی نبود. کلید هم نداشتم که برُم تو.

کنار کوچه تو ماشین نشسته بودم و حرص مخوردم که بری چی جواب نمدن. شام به او خوبی کوفتم شده بود که دیدم آبیجم زنگ زد. کارشان تو بازار تموم رفته بود و درخواستن بین خانه. گفتم گوشی ره بده به کاملیا خانم. عیال گفت گوشیش خراب رفته و آنتن یندره. چون خونمه مخورد. خیلی خودمه کنترل کردم که چیزی نگم، فقط یگ کلمه گفتم: «حالا گوشیت خراب بود، گوشی دیگه نداشتم؟ دلوایسی مو بری شما هیچ، اگه سر میز جوجه کباب پریده بود به خُسم و داشتم بین یگ شمت غریبه لنگک مزدم، شما نباید زنگ بزنی و حالمه بیرسی؟» پشت تلفن گفتم: «حالا که خدا رو شکر کاریت نشده و ماشالا زبونت هم خیلی خوب کار میکنه!» انا حالا خوب رفته! پرسیدم: «حالا کجاین بیام دنبالتان؟» از هم پشت تلفن معلوم بود که پشت چشم نازک کرده و گفتم: «لازم نکرده، خودمون میایم!» بیا! همی ره مخواستم؟ گفتم: «شما امر بفرمایین، خدمت مرشم! خلاصه آدرس گیریفتم و رقم دنبالشان.

نشون به او نشونی که بعد از دو روز هنوز پشت چشماش ناز که و ابروهاش بالاایه و جوابمه با بله خبر مده. حتی با او دسته گل نگرسی که از پشت چراغ قرمز براش خریدم و فرداش هم بردوش سینما و شب هم شام از ای غذاهای و لهماشور که تو اینستا دیده بودم براش پختم! ایم از ای!

آق کمال

نیاز طنزی ها



ماوشما

« در قسمت «فارسی بنویسیم» علاوه بر انگلیسی و فرانسه، عربی هم زبانی غیرفارسی است و کاربرد کلمه عربی «مجموعه» تفاوتی با کلکسیون فرانسوی ندارد. اگر قصد آموزش دارید لطفا درست این کار را انجام دهید و مردم را به اشتباه نیندازید. با سیاس

« همشهری سلام، این هفته مسابقه «چی میگه» برگزار نکردی، چرا؟!

ما و شما: این مسابقه یک شنبه ها چاپ می شود که به دلیل تعطیلی این هفته و جا نداشتن در بقیه روزها، مسابقه چاپ نشد.

« در مطلب خواندنی «بهترین ایرلاین های جهان در ۲۰۱۶» جای ایرلاین های ایرانی واقعا خالی است!

« واقعا سه نقطه دیروز درست بود. آقای رشیدپور فقط مجری مراسم تولد بسر من نبوده است!

« هدیه به همسرم حبی جون، بیست و نه سال در کنار من انکار روز اول با تو بودن را احساس می کنم. عشق من حبی.

ایبی از قوچان
« نوه عزیزم مونا جان، مقام آوردنت در المپیاد ادبیات را تبریک می گویم.

پدر بزرگ و مادر بزرگت

